

عرض کردیم طبق فرمایش امام سجاد(ع) حق الله الاکبر بر انسان این است که خدا را خالصانه عبادت کند. در عبادت خدا کسی را شریک قرار ندهد. بحث ما رسید به اخلاص؛ حقیقت اخلاص را و اساسی ترین راه اخلاص بیان شد. اینکه چگونه انسان می تواند مخلص شود؛ ریشه مسأله بیان شد. عرض کردیم مهم ترین راه تخلیص، اصلاح نفس است و لا غیر. اگر ساختمانی از بنیان اصلاح نشود، شما به رنگ آمیزی این ساختمان مشغول شوید، از درون پوسیده است. مشکل خیلی از ما این است که برای تخلیص و خالص شدن به جای اینکه به ریشه شرک بپردازیم، به شاخ و برگ های شرک می پردازیم و شاخ و برگ ها را قطع می کنیم اما ریشه شرک در درون ما می ماند. به جای اینکه ساختمان شرک را خراب کنیم و ساختمانی از نو با شاکله اخلاص بنا کنیم، آن ساختمان را حفظ می کنیم لکن با رنگ و لعاب می خواهیم پوسیدگی و خرابی آن را پنهان کنیم. دلمان خوش می شود به اینکه اعمال ما رنگ اخلاص دارد، در حالی که شاکله و بنیان آن سست است. گفتیم اولین قدم و مهم ترین قدم برای اصلاح نیت که اعمال هم تابع آن است، این است که شاکله نفس مان را اصلاح کنیم. عرض کردیم اعمال تابع نیت است، نیت شاکله ثانوی نفس هستند اما شاکله اولیه نفس، ملکات نفسانی هستند؛ تا این شاکله اولیه تغییر نکند، شاکله ثانویه (نیت) تغییر نمی کند.

اکثر ما سعی می کنیم شاکله ثانویه را اصلاح کنیم؛ واقعا اینجا جای فریب است، شیطان ما را وادار به اصلاح شاکله ثانویه نفس و نیت مان می کند، دلمان خوش می شود که نیت ما خالصانه است اما اجازه دست زدن به شاکله اولیه نفس را نمی دهد. می گوید بیکاری که این ساختمان را خراب کنی، هزینه دارد، سخت است، یک رنگ و لعاب به آن بزنی و در آن زندگی کن؛ ما را اینطور فریب می دهد و ما با همان نفسانیات مان و حب دنیا که اساس نفسانیات ما را شکل می دهد، مشغول می کنند. با یک لعاب ظاهری و رنگ و لعاب زیبا می خواهیم خالص شویم و این نمی شود. خدای نکرده یک عمر می گذرد و بعد چشم ما باز می شود به عالم دیگر و می بینیم هیچ در بساط نداریم؛ چرا؟ چون آن شاکله اولیه اصلاح نشده، ملکات، حب دنیا، حسادت ها و کینه ها، اینها هست اما در عین حال خودمان فکر کردیم که خیلی خالصانه عمل کردیم.

این یک مسأله خیلی مهم است؛ واقع مطلب این است که از کسانی که واقعا به ریشه های اخلاقیات توجه کرده، امام(ره) است. کمتر کسی از علمای اخلاق این چنین به ریشه های مسائل اخلاقی توجه کرده است؛ لذا امام خودشان در مقدمه کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل می فرماید بسیاری از کتاب های اخلاقی خیلی هم خوب است از نظر نظری، ولی اینکه نسخه ای به انسان بدهند که راه شفای قلوب ما را بیان کند کم است. علم اخلاق خوب بیان شده ولی اخلاقی که مؤثر در نفوس انسان باشد، کمتر بیان شده است.

به هر حال عرض کردیم یکی از نکاتی که در باب اخلاص بسیار باید مورد توجه قرار گیرد و کمتر به آن توجه می شود، اخلاص بعد العمل است. اینها هر چه بود راجع به اخلاص حین العمل بود؛ اما اخلاص بعد العمل بسیار سخت تر و مهم تر است. روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که فرموده اند: «الْإِبْتِغَاءُ عَلَى الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ. قَالَ: وَ مَا الْإِبْتِغَاءُ عَلَى الْعَمَلِ؟ قَالَ(ع): يَصِلُ الرَّجُلُ بِصَلَاةٍ وَ يُنْفِقُ نَفَقَةً لِلَّهِ وَ حِدَّةً لَأَ شَرِيكَ لَهُ فَكُتِبَ لَهُ سِرًّا ثُمَّ يَذْكُرُهَا وَ تَمَحَّى فَتُكْتَبُ لَهُ عَلَانِيَةً ثُمَّ يَذْكُرُهَا فَتُمَحَّى

وَتُكْتَبُ لَهُ رِيَاءٌ^۱. امام باقر(ع) می‌فرماید: مراعات عمل و حفظ عمل و نگهداری عمل بسیار مشکل‌تر است از خودِ عمل. راوی سؤال می‌کند منظور از ابقاء بر عمل و مراعات عمل چیست؟ امام باقر(ع) می‌فرماید مثل اینکه کسی در راه خدا صله می‌کند یا انفاق می‌کند و واقعا در عمل او ریا وجود ندارد، خالصانه انفاق می‌کند. وقتی که خالصانه انفاق می‌کند، خداوند عمل او را می‌نویسد؛ یعنی فرشتگان می‌نویسند آن عمل را برای او پنهانی و ثواب پنهانی به او می‌دهند. معلوم می‌شود بالاترین ثواب‌ها، ثواب عمل پنهانی است. یعنی اینکه فقط خدا بداند و لاغیر. بعد این عمل را برای دیگران ذکر می‌کند؛ عمل را خالصانه انجام داده و بعد نقل می‌کند و می‌گوید ما مثلا اینجا این کار را کردیم. آنگاه آن عمل سرّی محو می‌شود و پاک می‌شود و برای او عمل آشکار و علنی نوشته می‌شود. معلوم می‌شود درجه عمل آشکار پایین‌تر از عمل پنهانی است. آن وقت ثواب عبادت و عمل آشکار را به او می‌دهند؛ یعنی یک ثواب کمتری است. بعد همین را هم ذکر می‌کند؛ همین هم محو می‌شود و آن وقت نوشته می‌شود این عمل او ریاً بوده است.

اصل عمل خالصانه بوده، بعد این را آمده آنقدر تنزل داده که محو شده و مبدل شده به عمل ریایی. فکر نکنیم که اگر عمل و عبادتی انجام دادیم، ولو در وقت خودش با خلوص تمام انجام دادیم، دیگر بعدش آزاد هستیم و می‌توانیم آن عمل خالصانه را همه جا نقل کنیم. حالت تمایل به نشان دادن و اظهار آن برای دیگران باعث می‌شود که عملی که در گذشته با خلوص انجام داده بوده به یک عمل ریایی تبدیل شود. این است که امام باقر(ع) می‌فرماید ابقاء بر عمل سخت‌تر است از خودِ عمل. این خیلی مهم است؛ واقعا شیطان دست از سر انسان برنمی‌دارد، انسان را رها نمی‌کند. تا قبل از عمل انسان را وادار می‌کند که اصلا عمل نکند، با انواع وساوس و دسایس. بعد که می‌خواهد عمل را انجام دهد باز یک مرحله وارد می‌شود و یک کاری می‌کند که این را آلوده به شرک و ریا کند. از آنجا که او را بیرون می‌کنی و واقعا خالصانه انجام می‌دهی، بعدش دوباره سراغ انسان می‌آید که انسان آن را مطرح کند. می‌گوید چرا عمل خوب را دیگران نفهمند؛ بگذار بفهمند و برای دیگران الگو شوی. بعد تازه همه این کارها را که انجام بدهد و موفق نشود، باز هم دست برنمی‌دارد؛ انسان را وادار می‌کند برود یک کار دیگر کند که این عملش هبط شود. اگر توانست مانع ایجاد کند در برابر انسان که کار خیر و عبادتی را انجام بدهد تا به آنجا که مبدلش کند به ریا بعد از عمل، اگر از این مرحله هم عبور کند، انسان را وادار می‌کند به کاری که این عمل را هبط کند. پرونده آن بسته شده، اما می‌گذارد انتقامش را در جای دیگری می‌گیرد. کینه‌ورزی‌اش را در محل دیگری نشان می‌دهد. شیطان دست از سر انسان برنمی‌دارد.

به قول امام(ره) گاهی وقت‌ها شیطان انسان را وادار می‌کند به اظهار بالکنایة و الاشارة. شب بیدار شده و نماز شب خوانده، آن موقع هیچ کسی نبوده و در خلوت و تاریکی و بعد هم به کسی نمی‌گوید من نماز شب خواندم. اما برای اینکه به گونه‌ای به دیگران بفهماند، می‌گوید صبح صدای اذان از فلان جا می‌آمد؛ یا می‌گوید نیمه شب عجب بارانی می‌آید، یا می‌گوید عجب هوایی بود موقع سحر. یعنی بالکنایة و الاشارة یک جور می‌خواهد به دیگران این را بفهماند. خیلی از ما در کارهایی که انجام می‌دهیم، در عباداتمان، چه آنهایی که جنبه مالی دارد و جنبه غیر مالی، بالاخره به گونه‌ای ولو به حرکت دست و اشاره و قیافه و حالت‌های صورت و چشم، می‌خواهیم این را به دیگران بفهمانیم. این عمل را خراب می‌کند.

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۹۶، کتاب الایمان و الکفر، باب الریا، ح ۱۶.

لذا اخلاص بعد العمل به تعبیر امام باقر(ع) مشکل تر است از خود عمل که خالصانه انجام شود. خلوص یک امری نیست که بگوییم عمل را که خالصانه انجام دادید، دیگر تمام شد و بگذارید کنار. نخیر، خلوص عمل و پاکی عمل باید تا آخر حفظ شود؛ هر عمل عبادی ما امکان فرو ریختن و آلوده شدن و ناپاک شدن دارد. این را تا می توانیم باید حفظ کنیم از شرک؛ شرک اعظم محبت دنیا است یعنی این که انسان بخواهد نزد دیگران موقعیت پیدا کند. اینکه انسان بخواهد انظار اهل دنیا را جلب کند به خودش. از این به شرک اعظم تعبیر کرده اند و راه رهایی از آن خیلی سخت است. بالاخره ما مخصوصا گرفتار این مشکل هستیم؛ جلب انظار اهل دنیا و اینکه موقعیت پیدا کنیم. آن وقت برای کسب موقعیت و جلب انظار اهل دنیا همه کار می کنیم. دیگران را تخریب می کنیم برای اینکه خودمان موقعیت پیدا کنیم به یک کسی که همکار و هم لباس ماست تهمت می زنیم. برای اینکه خودمان را در نزد دیگران موجه جلوه دهیم، فکر می کنیم با تخریب دیگران می توانیم این کار را انجام دهیم. این شرک اعظم است. باید به خدا پناه برد.

«والحمد لله رب العالمین»